



اعتصاب مقدس

را برافروخت. اعتصاب‌های اصلی در صنعت نفت اواخر مهرماه (در روز ۲۴ مهر) از آبادان آغاز شد. این زمانی بود که بخش‌های مختلف اداری و صنعتی کشور به دلیل اعتصاب‌های گسترده، فلج شده بودند. ۲۴ مهرماه، چهارم شهریور ۱۷ شهریور هم بود و کارگران آبادانی، اعتصاب وسیع و مهم خود را به این روز نمادین پیوند داده بودند. روزی که از سوی امام خمینی به عنوان عزای عمومی اعلام شده بود. در این روز، ابتدا کارکنان اداره کالا و آزمایشگاه شرکت در آبادان دست به اعتصاب زدند. در این هنگام مأموران انتظامی وارد محوطه پالایشگاه آبادان شده و ۷۰ نفر از کارکنان اداره کالا را با خود به خارج از پالایشگاه برده و آن جا رها کردند. ولی ۸ تا ۱۲ نفر را تا شب در بازداشت نگه داشتند. فردای آن روز هزاران نفر از پرسنل پالایشگاه آبادان در اعتراض به برخورد با همکارانشان اعتصاب کردند. روزنامه اطلاعات، در ۲۷ مهرماه ۱۳۵۷، خواسته‌های اعتصاب‌کنندگان را که در ۴ بخش بود به این شرح گزارش کرده است: «پرخاش ۱۲/۵ درصد اضافه حقوق، پرداخت ۷۵۰ تومان کمک شغل، دادن جیره کالاهای اساسی به کارمندان و خانواده‌آنان، برکناری فوری تیمسار کلیبایی رئیس گارد صنعت نفت و تعقیب مسببین حادثه ورود مأموران امنیتی به پالایشگاه و اهانت به کارکنان.» اعتصاب کارگران شرکت نفت آبادان اما پایان نیافت و در روزهای بعد با شدت بیشتری ادامه پیدا کرد. روزنامه اطلاعات در سی ام مهرماه ۱۳۵۷، درباره ادامه دار شدن اعتصاب در آبادان چنین گزارش کرد: «اعتصاب پنج‌هزار کارمند صنعت نفت دیروز و امروز هم ادامه یافت و اعتصاب‌کنندگان ساعت ۷/۳۰ صبح دیروز همانند چهار روز گذشته جلوی اداره مرکزی اجتماع کردند. تعداد زنان کارمند دیروز در میان اجتماع‌کنندگان مشهود بود. مدیران اطلاع دادند که اضافه حقوق کارکنان تصویب شده اما کارمندان اعتصابی اعلام کردند که به اعتصاب ادامه خواهند داد تا هنگامی که خواسته‌های چهارگانه آنان به انجام برسد. در مورد بازداشت و دستگیری عده‌ای از کارمندان، بر اساس خواسته‌های کارمندان، مقام‌های مسئول باید عذرخواهی کنند و پلیس حفاظت پالایشگاه برکنار شود.»

چادر زدن کارگران بی مسکن در برابر پالایشگاه تهران

شهریور ماه سال ۱۳۵۷ بود و کشور از ابتدای سال بانارامی‌ها و اعتراضات و اعتصابات پراکنده روبرو بود. اما هنوز این اعتصاب‌ها به صنعت نفت یعنی اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین بخش صنعتی کشور سرایت نکرده بود. دور خرداد مهم و اسفناک، یکی واقعی‌ترین آتش‌سوزی سینما کس آبادان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ و در پی آن واقعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در میدان ژاله تهران، نقطه‌ی آغازی برای شروع اعتصاب گسترده کارگران و کارمندان صنعت نفت ایران علیه حکومت شاه شد. از آن پس بود که سازمان‌دهی اعتصاب عمومی در میان کارکنان پالایشگاه و شرکت نفت در تهران و شیراز و اصفهان و تبریز و آبادان و دیگر مراکز صنعت نفت در جنوب آغاز شد. به رغم اینکه دو واقعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ و آتش‌سوزی در سینما کس، حوادثی سیاسی محسوب می‌شدند اما، اعتصاب کارگران شرکت نفت در ابتدای کار با شعارهای اقتصادی آغاز شد و نه سیاسی. اما خیلی زود به موجی بلند در جهت ساقط کردن رژیم پهلوی تبدیل شد. مثلاً در پالایشگاه تهران، درست هم‌زمان با تظاهرات بزرگ ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، جمعی از کارگران این پالایشگاه، در اعتراض به مشکل مسکن تجمع کرده بودند. کارگران در ۱۷ تیرماه ۱۳۵۷ نامه‌ای به مسئولین پالایشگاه تهران نوشته بودند و ضمن بیان خواسته‌های صنفی‌شان، تهدید کرده بودند اگر به مطالبات‌شان پاسخی داده نشود، در برابر پالایشگاه چادر خواهند زد و باین اقدام نمادین، مشکل مسکن خود را به گوش مسئولان خواهند رساند. پایان مهلت تعیین شده توسط کارگران ۱۷ شهریور و برقراری حکومت نظامی در تهران همراه بود اما کارگران توجهی به حکومت نظامی نکردند. ۲۰۰ نفر از کارگران همراه با خانواده‌های‌شان در برابر پالایشگاه تهران چادر زدند. بست‌نشینی کارگران و خانواده‌های‌شان در برابر پالایشگاه دوشب ادامه داشت اما بعد از دوشب، مأموران حکومت نظامی شهرری به چادرهای کارگرها هجوم بردند و آن‌ها را از این محل تخلیه کردند. اگرچه مقابل پالایشگاه خلوت شد اما اقدام نمادین کارگرها و سرکوبشان توسط مأموران نظامی، شعله اعتصاب

■ نفتو کی برد؟ آمریکا
■ گاز رو کی خورد؟ شوروی
■ مرگ بر این سلطنت پهلوی

این‌ها نمونه‌ای از شعارهایی بود که هزاران نفر از کارگران و کارمندان اعتصابی شرکت ملی نفت ایران در پاییز و زمستان سال ۱۳۵۷ در پالایشگاه تهران سر می‌دادند. روزهایی که اوج اعتصاب و اعتراضات کارگران و کارمندان ایرانی در مخالفت با حکومت شاه و در طرفداری از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی بود. در میان موج بلند اعتصاب و راهپیمایی‌ها علیه حکومت شاه در پاییز سال ۱۳۵۷، نقش اعتصاب سراسری کارگران صنعت نفت در فشار بی‌سابقه به رژیم شاه بسیار مهم بود زیرا کارگران توانستند با اتحاد بی‌سابقه، صادرات نفت از ایران را قطع کنند. در نتیجه‌ی این اقدام، درآمد دلاری حکومت شاه قطع شد و دولت پهلوی در اداره عمومی کشور فلج گردید. کارگران و کارمندان شرکت نفت در این دوره، گوش به فرمان پیام‌های امام خمینی رهبر در تبعید انقلاب بودند که در پاریس بسر می‌برد. اتحاد کارگران با یکدیگر و اطاعت آن‌ها از رهبر انقلاب به گونه‌ای بود، که در ماه‌های پرتنهاب پاییز و زمستان سال ۱۳۵۷، به گونه‌ای هماهنگ شدند که برای مصرف داخلی کشور، نفت استخراج کردند اما جلوی صادرات نفت را گرفتند. انقلاب و اعتصابات در صنعت نفت چه روندها و حواشی‌ای داشت؟

تصویری از آبادان اعتصاب‌زده

آبادان از زمان کشف نفت در جنوب ایران، نقش مهمی در تحولات سیاسی و اجتماعی کشور داشت. پس عجیب نبود که آبادان به کانونی برای اقدامات انقلابی در سال ۱۳۵۷ بدل شود. اعتصاب گسترده به کاهش شدید صادرات نفت و همچنین قطع تولید روزانه ششصد هزار بشکه نفت خام انجامید. موضوعی که دولت شاه را عملاً فلج کرده بود. خبرنگار مجله آلمانی اشپیگل در همین روزهای حساس سفری به آبادان کرد و در گزارش خود، توصیف جالب توجهی از قلب نفتی ایران ارائه داد. به گزارش خبرنگار اشپیگل، در آبان سال ۱۳۵۷، اعتراض‌ها در آبادان از یک برنامه زمانی مشخص پیروی می‌کرد. صبح‌ها در مقابل درب ورودی پالایشگاه و بعداً ظهرها در سطح شهر تظاهرات برگزار می‌شد و هر روز سنگ‌پرانی و روشن کردن آتش برای مقابله با گاز اشک‌آور تکرار می‌شد. آن چنانکه اشپیگل گزارش کرده، در سال ۱۳۵۷، اعتصاب در صنایع نفت ایران به معنی روزانه شصت میلیون دلار ضرر برای کشور بوده است و عبدالله انتظام رئیس شرکت ملی نفت ایران برای شکستن اعتصاب، از همه بازنشسته‌های این شرکت در سراسر کشور دعوت کرده بود که به کار سابق خود بازگردند و به این صورت بخشی از تولید نفت پالایشگاه‌ها را برقرار کنند. اعتصاب در آبادان همچنین به کمبود بنزین در این شهر نفت‌خیز منجر شده بود. در شمال آبادان صف بلند تانکرهای نفتکش تا حاشیه‌های شهر کشیده شده بود. در نزدیکی هتل اینترنشنال آبادان یک پمپ‌بنزین قرار داشت و نزدیک به شصت خودرو در دوریف صف در انتظار پر کردن باک‌های خود بسر می‌بردند. به گونه‌ای که خبرنگار اشپیگل به کنایه نوشته، کمبود بنزین در فاصله کمتر از یک کیلومتر از بزرگ‌ترین پالایشگاه جهان غوغا می‌کند. شایع شده بود که فرماندار نظامی آبادان ۵ کارگر اعتصابی را تیرباران کرده اما این خبر صحت نداشت؛ اگرچه چند نفر در زدو خورد میان نظامیان و کارگران شرکت نفت کشته شده بودند. اشپیگل همچنین تصویری از کارگران اعتصابی آبادانی ارائه داده که مطابق با آن: «کارگران آبادانی با وجود آنکه بالاترین حقوق ماهیانه در کشور یعنی ۳۰ هزار ریال (معادل ۸۰۰ مارک) در ماه دریافت می‌کنند اما ناراضی هستند. آن‌ها علاوه بر آمریکایی‌ها، دیگر کارگران خارجی فعال در صنعت نفت ایران از جمله فیلیپینی‌ها، پاکستانی‌ها را عامل این وضعیت می‌دانند و می‌گویند: آن‌ها شغل‌های ما را می‌دزدند. به همین خاطر باید بروند و گم شوند»



کارگران اهوازی، محور اعتصابات

به دنبال مبارزات کارگران آبادانی، کارکنان صنعت نفت در جزیره خارک، لاون، بهرگان، اهواز، گچساران، آغاچاری، مسجد سلیمان، مارون و بی‌بی حکیمه و سایر مناطق به اعتصاب پیوستند. اعتصاب کارکنان صنعت نفت در اهواز، که با چاه‌های تولید نفت ارتباط نزدیک داشتند، اهمیت خاصی داشت. در میان کارکنان نفت، کارمندان شرکت سهامی خدمات صنعت نفت در اهواز نقش مؤثری در تعمیق خواست‌های سیاسی کارکنان صنایع نفت داشتند. روزنامه اطلاعات در ۲۹ مهر ماه درباره نقش این کارکنان اهوازی در اعتصابات چنین نوشت: «گروهی از کارمندان عالی‌رتبه، مهندسین و سایر کارمندان شرکت در اجتماعی که مقابل محل کار خود تشکیل دادند ضمن پشتیبانی از هدف‌های معلمان و دانشجویان کشور از مسئولین خواستار انجام تقاضاهای شان شدند. اعتصابیون شرط بازگشت به کارشان را مذاکره مستقیم با رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران اعلام کردند.» اینچنین بود که کارکنان نفت اهواز به مرور رهبری مبارزات صنعت نفت را در دست گرفتند و سبب گسترش دوباره اعتصاب‌ها در هفته دوم آبان ماه با خواست‌های سیاسی شدند. آن چنان که روزنامه اطلاعات در ۸ آبان ۱۳۵۷ خبر داد: «به دنبال اعتصاب کارمندان شرکت سهامی خاص خدمات اهواز که از دو روز پیش به منظور پشتیبانی از خواست‌های فرهنگیان و دانشجویان آغاز شده است کارمندان شرکت ملی نفت اهواز نیز پس از چند روز به این گروه پیوستند. کارمندان صنعت نفت گچساران، آبادان، مسجد سلیمان، آغاچاری و دیگر نقاط نفت خیز خوزستان دست به یک اعتصاب بزرگ زده‌اند... گروه اعتصاب کننده در اعلامیه‌ای خواستار اخراج کارکنان خارجی شرکت نفت نیز شده‌اند.»

ناکامی نظامیان در شکست کارگران

با آغاز اعتصاب کارگران شرکت نفت، واقعه‌ای روی داد که موجب توجه عموم به اهمیت جریان نفت در شاه‌رگ اقتصاد کشور و زندگی روزمره مردم شد. در روز ۲۹ مهر ماه کارگران انبار نفت ری برای خواست‌های رفاهی دست به یک اعتصاب چندساعته زدند و بلافاصله با تحقق خواست‌هاشان به کار بازگشتند. اما همین وقفه چندساعته در تحویل بنزین به تانکرها، اوضاع تهران را به کلی آشفته کرد. روزنامه اطلاعات در همین روز خبر داد که: «برای اولین بار در تاریخ پس از کشف نفت، پایتخت کشور نفت خیز ایران به علت کمبود بنزین در ۲۰۰ جایگاه بنزین تهران، دچار هرج و مرج و اغتشاش شد.» به این ترتیب کارگران صنعت نفت پی بردند که حتی چند ساعت اعتصاب آن‌ها می‌تواند منجر به آشفتگی در شهر شود. آشفتگی عجیبی که خبرنگار اشیپگل در تهران، آنرا چنین توصیف کرده است: «ارتش یک کامیون پر از سربازان نیروی زمینی را مأمور حفاظت از یک پمپ بنزین کرده و صف سه ردیفی خودروها تا یک کیلومتر یعنی تا اتوبان کرج امتداد دارد. صف چهارم متعلق به یکصد موتورسیکلتی است که با کاشان خالی از بنزین است و صاحبان موتورها با پای پیاده مرک‌های خود را به این سو و آن سو می‌کشند. برخی از این رانندگان در پیت‌های حلبی و سط‌های پلاستیکی بنزین می‌زنند.» کارگران شرکت نفت، که حالا قدرت خود را به رخ حکومت کشیده بودند، خواسته‌های مهم سیاسی را در راس مطالبات‌شان قرار دادند. آنان خواهان برچیده شدن حکومت نظامی، آزادی کلیه زندانیان سیاسی و دو تن از همکاران زندانی خود، انحلال ساواک، مجازات وزرا و مقامات فاسد، همبستگی با معلمان و ملی کردن کامل صنعت نفت شدند. اما مدتی نگذشت که نیروهای نظامی به صورت جدی برای شکست اعتصاب دخالت کردند. در ۱۰ آبان ارتش تأسیسات نفتی را اشغال کرد. در ۱۵ آبان دولت نظامی اهزاری روی کار آمد و اعلام کرد که هر کسی کار نکند اخراج و در صورت مقاومت دستگیر خواهد شد. حدود ۲۰۰ نفر از سران کارگران اعتصابی نیز بازداشت شدند. به تدریج کارکنان صنعت نفت، همانند دیگر دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی زیر فشار دولت نظامی به کار بازگشتند و تولید نفت که به یک میلیون بشکه در روز کاهش یافته بود به حدود شش میلیون بشکه در روز افزایش یافت. مدت یک ماه با سکوت نسبی گذشت. اما از نیمه آذر ماه همگام با اوج‌گیری تظاهرات ماه محرم و به خصوص پس از برگزاری مراسم تاسوعا و عاشورا، که بی‌اعتباری دولت نظامی آشکار شد، کارگران صنعت نفت دوباره مبارزه را آغاز کردند و در ۲۳ آذر ماه اعتصاب‌های سراسری برپا شد و تولید نفت به ۱ میلیون بشکه کاهش یافت و در ۵ دی ماه با گسترش اعتصاب‌ها صدور نفت به کلی قطع شد.

دستور امام برای تولید نفت به میزان نیاز داخلی

زمستان سال ۱۳۵۷، اعتصاب سراسری کارکنان صنعت نفت ایران گرچه حکومت شاه را در آستانه سقوط قرار داده بود اما فشارهایی بر مردم وارد و تأمین نفت در سرمای زمستان را با مشکل مواجه کرد. صف‌های طولانی از مردم در برابر نفت‌فروشی‌ها و پمپ‌بنزین‌ها تشکیل شده بود. با قطع تولید نفت، فعالیت ناوایی‌ها نیز دچار مشکل شده بود و نان در آستانه قحطی بود. برای حل این مشکل، امام خمینی مهندس بازرگان و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را مأمور کرد تا به همراه چند تن دیگر برای احیای تولید نفت به اندازه داخلی، به جنوب کشور و به میان کارگران اعتصابی شرکت نفت بروند. دستور امام به کارگران صنعت نفت برای تولید نفت به میزان نیاز داخلی و اجابت آن از سوی کارگران نشان می‌داد که کار حکومت پهلوی و شاه عملاً تمام است و این رژیم امکان مدیریت بر مهم‌ترین بخش صنعت و اقتصاد کشور یعنی نفت را ندارد و این بخش در اختیار رهبر انقلاب قرار گرفته است. امام خمینی شروطی را نیز برای از سرگیری تولید نفتی داخلی به این شرح تعیین کرد: «اول: نظامیان از مناطق و مراکز نفتی بیرون بروند و دخالتی در امور مربوطه نمایند و از ایجاد هرگونه ارباب در بین کارکنان خودداری کنند. دوم: نفت و فرآورده‌های نفتی فقط به اندازه مصرف داخلی تولید شود و از صدور نفت به خارج تا سقوط رژیم غیرقانونی فعلی به طور کامل ممانعت به عمل آید. سوم: ارتش و نظامیان حق احتکار مواد نفتی را که برای مصرف داخلی تهیه می‌شود ندارند.»

هیئتی که امام خمینی تعیین کرده بود، قبل از عزیمت از تهران به دیدار عبدالله انظام رئیس شرکت ملی نفت منصوب شاه رفت و او نیز قول داد مدیران شرکت نفت برای از سر گرفته شدن جریان تولید نفت داخلی با نمایندگان انقلاب همکاری کنند. آن چنان که در خاطرات مصطفی کتیری از اعضای این هیئت آمده، هاشمی رفسنجانی همراه خود گونی‌های اسکانس اهدایی بازاریان تهران را به اهواز و آبادان برد تا میان کارگران اعتصاب کننده توزیع کند غافل از اینکه دولت برغم اعتصاب کارگران، حقوق آن‌ها را قطع نکرده است. به این ترتیب و در دوران حضور هیئت منصوب به امام خمینی در خوزستان، کارگران صنعت نفت با تولید نفت به میزان مصرف داخلی موافقت کردند و یک هفته قبل از خروج شاه از کشور، زیر نظر هیئت منصوب امام، تولید نفت به اندازه نیاز داخلی از سر گرفته شد. درست در روز پیروزی انقلاب اسلامی بود که با دستور امام خمینی و بازرگان، کارگران صنعت نفت تولید نفت را دوباره از سر گرفتند. اعتصاب کارگران و کارمندان شرکت ملی نفت ایران در سال ۱۳۵۷، مهم‌ترین ضربه اقتصادی و حیثیتی را به حکومت شاه وارد ساخت و شریان حیاتی تأمین مالی آنرا قطع کرد. اگر اتحاد کارگران شرکت نفت و گوش‌بفرمانی آنان در برابر امام خمینی نبود، تحولات ایران در سال ۱۳۵۷ ممکن بود سمت و سوی دیگری بیابد و به همین دلیل بود که رهبر انقلاب، اعتصاب کارگران شرکت نفت را اعتصاب مقدس نام نهاد.